

معنا و پاسخ: بررسی تطبیقی افراط‌گرایی اسلامی و نهیلیسم

احمدرضا بردبار^۱ - پویش پراشی^۲

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

چکیده

ساختار ایدئولوژی ناخودآگاه با بحران در نظام ارزشی خود مواجه می‌شود؛ بی‌ارزش شدن نظام ارزشی و غیبت معنا از بارزترین این بحران‌ها است. نقطه آغاز بی‌ارزش شدن نظام ارزشی و غیبت معنا، بروز دوباره نهیلیسم خفته در تاریخ حیات انسان است. برای غلبه بر نهیلیسم، هر ایدئولوژی با توجه به متن اندیشه خود درصدد پاسخ‌گویی است؛ اندیشه اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. اندیشه اسلامی درگیر با سیطره نهیلیسمی است که نظام معنایی و ارزشی این اندیشه را مانند دیگر اندیشه‌ها آماج حمله قرار داده است. تکنولوژی و گسترش بدون مرز آگاهی، راه را برای نفوذ نهیلیسم هموار کرده است و اندیشه اسلامی در این بین، مسیر معنابخشی و بازارش‌سازی را پی‌گرفته است. یکی از نمودهای بازارش‌سازی و معنادهی نو در اندیشه اسلامی، در جنبش‌ها و اندیشه‌های افراطی آشکار شده است که عنوان کلی افراط‌گرایی اسلامی به آن اطلاق می‌شود و سازمان‌ها و گروه‌هایی چون القاعده، طالبان و داعش نیز نمونه‌هایی از این افراط‌گرایی به‌شمار می‌رود. وجه بارز این اندیشه‌ها زبان خشونت است. در واقع با بیانی موجز می‌توان بیان داشت که افراط‌گرایی اسلامی، نتیجه منطقی سیطره نهیلیسم نو است. هدف این پژوهش مقایسه افراط‌گرایی اسلامی و نهیلیسم است که با استفاده از روش مطالعه تطبیقی صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: افراط‌گرایی اسلامی، تکنولوژی، نهیلیسم، غیبت معنا، بازارش‌سازی

مقدمه و بیان مسأله

ساختار ایدئولوژی با توجه به نمادسازی‌هایی که انجام می‌دهد به مرور زمان دست‌خوش چالش می‌شود؛ این چالش از بی‌ارزش شدن تدریجی نظام ارزشی گرفته تا بحران معنا در تغییر است. بحران معنا مرحله نهایی بروز نهیلیسم است که کل ساختار اندیشه را به چالش می‌کشد. اگر در این چالش نهیلیسم پیروز شود، ایدئولوژی شروع به کم‌رنگ شدن می‌کند و پیروان خود را از دست می‌دهد. یکی از راه‌هایی که برای غلبه بر نهیلیسم از سوی پیروان ایدئولوژی برگزیده می‌شود بازگشت به متون نخستین است؛ در این بازگشت برای حفظ ایدئولوژی و مقابله با نهیلیسم، هرگونه تعبیر و تفسیر از متون مقدس ممنوع می‌شود. افراط‌گرایی نوعی از بازگشت و باور به تقدس متون است که هرگونه راهی را جهت انتقاد بسته می‌داند. ایدئولوژی افراط‌گرا برای حفظ آرمان‌های خود از تمامی ابزارهای ممکن استفاده می‌کند؛ از تبلیغات فرهنگی گرفته تا ترور. ترور راه‌حل نهایی برای مقابله با تغییر نظام ارزشی است. گروه تروریست می‌کوشد با به‌راه انداختن کارزار تبلیغاتی تروریستی در چهارچوب یک ایدئولوژی، اهداف و مقاصد خود را پیش برد. از این رو است که یکی از ریشه‌های مهم تروریسم به افراط‌گرایی بازمی‌گردد. افراط‌گرایی در هر شکل از ایدئولوژی وجود دارد و در این بین افراط‌گرایی مذهبی محسوس‌تر است. افراط‌گرایی مذهبی در ادیان توحیدی و غیرتوحیدی همواره وجود داشته است که مطالعه موردی این پژوهش بر افراط‌گرایی اسلامی و بررسی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی افراط‌گرا استوار است. رادیکال بودن رویکرد در هر ایدئولوژی، به تلاش جهت بازارش‌سازی بازمی‌گردد؛ در حقیقت پایه‌های ارزشی ایدئولوژی اسلامی در برخورد با گسترش جهانی تکنولوژی دچار بحران شده است و این بحران با بی‌معنایی و نهیلیسم همراه می‌شود و در این بین افراط‌گرایی اسلامی درصدد پاسخ‌گویی به گسترش نهیلیسم برآمده است. هدف نویسندگان آن است که، با استفاده از نظریه فزون‌واقعیت (حادثواقعیت) ژان بودریار در باب نهیلیسم به‌عنوان تحلیلی پست‌مدرن در اندیشه سیاسی و روش مطالعه تطبیقی به بررسی تطبیقی افراط‌گرایی اسلامی با نهیلیسم پردازند. تلاش نویسندگان در این پژوهش تنها بررسی افراط‌گرایی اسلامی به‌عنوان یکی از پاسخ‌های اندیشه اسلامی به مسأله معنا است؛ آن هم به سبب اینکه افراط‌گرایی در دوران کنونی بیشتر نمود پیدا کرده است. همچنین باید بیان داشت که به پاسخ‌هایی که اندیشه اسلامی از نگاه‌هایی دیگر به مسأله معنا داده است، به سبب گستردگی ورود نشده است و تنها به بررسی افراط‌گرایی اسلامی به‌عنوان یکی از نمودهای پاسخ، بسنده شده است. بدیهی است که اندیشه اسلامی به‌سبب

گسترده‌گی و چندجانبه‌بودن ساختار فکری، پاسخ‌هایی گوناگون بیان کرده است و هر پاسخ جای تعمق بسیار دارد.

ادبیات نظری و مطالعات پیشین

ادبیات نظری

فرآیند تحلیل، خود، کارکرد طبیعی مغز انسان را تقویت می‌کند. تحلیل معمولاً دربرگیرنده خلق مدل‌ها است؛ اگرچه ممکن است چنین برجستگی را دریافت ننماید (هوور، ۱۳۸۰: ۱۳). در بررسی مفهومی، با سه دسته پرسش روبرو هستیم. نخست، پرسش‌های ساختاری: چه چیزهایی ساختار را پایه‌گذاری می‌کند؟ دوم، پرسش‌های پویایی: این اجزا به چه نحوی دست به تعامل با خود و جهان بیرونی ذهن می‌زنند؟ سوم، پرسش‌های رشد و تحول: چه منابعی انرژی و رانه را ایجاد می‌کند و باعث عملکرد آن می‌شود؟^۱ از نظر ژاک لاکان سه سطح به هم تنیده، واقعیت انسانی را برمی‌سازد: امر نمادین، امر خیالی و امر واقعی. همچنین بحث بسیار حائز اهمیت دیگری که باید به آن اشاره داشت، بحث «دیگری بزرگ» است. نکته‌ای که تحلیل پژوهش را میسر می‌کند این است که دیگری بزرگ، در سطح نمادین عمل می‌کند (ژیرک، ۱۳۹۲: ۱۵). سوژه - سوژه ناخودآگاه - تنها از طریق دیگران و در رابطه با دیگری بزرگ پا به عرصه وجود می‌گذارد. لاکان توضیح می‌دهد که سوژه در مکان (محمل) دیگری بزرگ پدیدار می‌شود. دیگری بزرگ دیگربودگی مطلق است که قابل تشبیه به سوژکتیویته ما نیست. دیگری بزرگ نظامی نمادین است؛ دیگری بزرگ همچون کلام و امیال اطرافیان ما است که از طریق آن، میل خود را درونی و متوجه درون می‌کنیم (هوور، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

افراط‌گرایی اسلامی همواره با دیگری بزرگ در ارتباط است. این دیگری بزرگ شامل اندیشه سکولاریسم، لیبرالیسم، سوسیالیسم و ... است. اساساً هر نظام اندیشه‌ای دیگری که با افراط‌گرایی اسلامی در تعارض ایدئولوژیک قرار بگیرد به نوعی دیگری بزرگ بدل می‌گردد. در این بین، دیگری بزرگ با نظام سیاسی منسجم خود همواره حس تحقیر را در نظام سنت‌محور برمی‌انگیزد. نتیجه این تحقیر، سست شدن نظام ارزشی مورد حمله واقع شده از سوی دیگری بزرگ است. سست شدن نظام ارزشی، بحران معنا را در پی دارد و بحران معنا، نهیلیسم را. برای غلبه بر نهیلیسم، هر نظامی شروع به بازاری‌سازی می‌کند؛ این بازاری‌سازی، از جنگ

1. <http://ravanshenasionline.persianblog.ir/post/122>

ایدئولوژیک، تسخیر رسانه و تبلیغ گرفته تا به کارگیری زبان خشونت و ترور در تغییر است. افراط‌گرایان زندگی دیگران بزرگ را همچون گناه می‌پندارند. افراط‌گرایان عمیقاً از زندگی گناه‌آلود ناباوران می‌رنجند، به آن توجه نشان می‌دهند، با آن تحریک می‌شوند و پاسخ می‌دهند (ژیرک، ۱۳۹۳: ۳).

این مقدمات راه را برای فهم نظریه بودریار هموار می‌کند. بودریار از اصطلاح رمز استفاده می‌کند؛ رمز نادیده گرفتن واقعیت را امکان‌پذیر می‌کند که بودریار آن را با نام «فزون‌واقعیت» بیان داشته است. به لحاظ اجتماعی، بودریار بیان می‌کند که حاکمیت رمز به تمامی شبکه اجتماع سرایت می‌کند و فزون‌واقعیت، تفاوت بین امر واقعی و امر خیالی را از بین می‌برد (لچت، ۱۳۹۲: ۳۴۶). فزون‌واقعیت همان ایده‌ای است که افراط‌گرایی اسلامی با آن گریبان‌گیر شده است و در واقع فهم تفاوت امر واقعی و امر خیالی را بر آن‌ها بسته است.

مروری بر مطالعات پیشین

چه در بحث افراط‌گرایی و چه در بحث نهیلیسم آثار گران‌قدری به رشته تحریر در آمده است. به طور خلاصه به سه نمونه از این آثار در هر حوزه اشاره می‌شود. هریر دکمجان در کتابی با عنوان جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب به بررسی افراط‌گرایی اسلامی می‌پردازد؛ همچنین باید بیان داشت که این نویسنده در حوزه اسلام و بحث‌های مربوط به جنبش‌های اسلامی آثار ارزنده‌ای تألیف کرده است. حمید احمدی از جمله کسانی است که در باب جنبش‌های اسلامی به پژوهش و بررسی پرداخته است. از این نویسنده نیز کتاب‌ها و مقالاتی چند چاپ شده است که در این پژوهش از مقاله دیدگاه و گزارش: نگاهی به پدیده افراط‌گرایی اسلامی ناکام در ستیز با تاریخ استفاده شده است.

غلام‌رضا خواجه‌سروی در کتاب *بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی* در بخشی با عنوان «تروریسم» به بررسی اندیشه سیاسی گروه‌های افراط‌گرا و بویژه طالبان پرداخته است. این کتاب در آشنایی با ریشه‌های فکری و دگرگونی‌های کنونی افراط‌گرایی ارزنده است.

فریدریش ویلهلم نیچه را نظریه‌پرداز نهیلیسم می‌دانند؛ این اندیشمند بزرگ در آثار خود همواره با پدیده نهیلیسم درگیر بوده است. نیچه در کتاب *اراده معطوف به قدرت* و نیز کتاب

دجال بیشتر به این موضوع پرداخته است.

ارنست یونگر کتابی تحت عنوان عبور از خط دارد که هرچند کم‌حجم است اما به طور ویژه به بحث نهیلیسم پرداخته است. این کتاب از جهت تبیین نهیلیسم به عنوان پدیده‌ای بسیار جدی، از اهمیت شایانی برخوردار است.

ژان بودریار در یکی از کتاب‌های خود با نام روح تروریسم به بررسی پدیده تروریسم از دیدگاهی پست‌مدرن پرداخته است. این کتاب در چهارچوب نظری پژوهش بسیار کمک‌رسان است.

ریشه افراط‌گرایی در نوشته‌هایی که در این زمینه وجود دارد، متنوع بیان شده است. گاه ریشه این پدیده را در ساختارهای ایدئولوژیک بیان کرده‌اند، گاه در پیوند با مسائل جهانی شدن و...؛ همچنین در زمینه نمودها و آثار نهیلیسم نیز دیدگاه‌ها به گونه‌ای متفاوت بیان شده است. پژوهش کنونی تلاش دارد تا میان افراط‌گرایی از یک سو و نهیلیسم از سوی دیگر، مقایسه‌ای تطبیقی انجام دهد و با تحلیل و بررسی به بیان ریشه‌های نهیلیستی افراط‌گرایی بپردازد. این امر به عنوان مهم‌ترین نوآوری پژوهش نمود می‌یابد؛ چراکه در بین نوشته‌های گران‌قدر در هر دو حوزه افراط‌گرایی و نهیلیسم، پژوهشی منسجم در مورد ارتباط این دو پدیده به چشم نمی‌خورد و تنها نوشته‌هایی کوتاه و بدون یک‌پارچگی به بیان مقایسه این دو پدیده پرداخته‌اند.

روش‌شناسی

روش مطالعه تطبیقی در پژوهش علوم انسانی نقش و جایگاهی محوری دارد. این روش از قدیمی‌ترین روش‌ها در علوم سیاسی و اجتماعی است که درصدد فهم مشابهت‌ها و تفاوت‌ها از طریق تطبیق و مقایسه است. هدف، شناسایی تفاوت‌ها در بین نظام‌ها و رخداد‌های اجتماعی - سیاسی و بررسی تأثیر این تفاوت‌ها بر پاره‌ای از پدیده‌های اجتماعی - سیاسی مشاهده شده در درون این نظام‌ها است. طرفداران این روش بر این باورند که تمامی روش‌ها تطبیقی هستند، اما نه به این شدت، بلکه با تحلیلی علمی می‌توان گفت، روش تطبیقی یکی از اصلی‌ترین روش‌ها در حوزه علوم انسانی، بویژه در جامعه‌شناسی تطبیقی و تاریخی، است. تفکر بدون مقایسه قابل تصور نیست و در غیاب مقایسه، هیچ اندیشه و پژوهش علمی نیز امکان‌پذیر نیست. ارسطو به مقایسه میان دولت‌شهرهای گوناگون یونان و هرودت به مقایسه میان جهان یونانی و غیر یونانی پرداخته‌اند

(مک کی و مارش، ۱۳۷۸: ۲۸۷ به نقل از غفاری، ۱۳۸۹). مک کی^۱ و مارش^۲ به دو علت تحلیل تطبیقی را ضروری می‌دانند؛ نخست، برای اجتناب از قوم‌مداری^۳ در تحلیل، و دوم، برای ایجاد آزمون و شکل‌دهی مجدد نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها (مک کی و مارش، ۱۳۷۸: ۲۸۲ به نقل از غفاری). تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیامدها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ‌مقیاس مانند مناطق، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها است. این تعریف بازتاب سنت‌هایی چون تحلیل بین‌فرهنگی در مردم‌شناسی، تحلیل در جامعه‌شناسی، تحلیل بین‌کشوری جامعه‌ای در علوم سیاسی، تحلیل تاریخی - تطبیقی در تاریخ و تحلیل روانشناسی تطبیقی در روانشناسی است (Smelser, 2003: 645).

تعریف مفاهیم

افراط‌گرایی

افراط‌گرایی^۴ گونه‌ای از بنیادگرایی است. واژه "بنیادگرایی یا اصول‌گرایی" در زبان لاتینی به معنای شالوده و اساس است. این واژه برای نخستین بار در مباحثاتی در درون مذهب پروتستان امریکایی، در اوایل قرن بیستم به کار رفت. بین سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۱۵ میلادی، پروتستان‌های کلیسای انجیلی، رشته جزوه‌هایی را با عنوان "مبانی" منتشر کردند و در آن به تأیید خطاناپذیری یا حقیقت نص کتاب مقدس در برابر تفسیرهای جدید از مسیحیت، پرداختند (هیوود، ۱۳۷۹: ۴۹۵). بنیادگرایی اصطلاحی قدیمی است که در گذشته در مورد متعصبین مذهبی، به‌خصوص آن دسته از مسیحیانی که حاضر به پذیرفتن هیچ‌گونه تعبیر، تفسیر و انحرافی در کتاب مقدس نیستند، به کار گرفته می‌شد (طلوعی، ۱۳۷۲: ۳۱۶). اصطلاح افراط‌گرایی چنان گسترده است که بحث درخصوص مفاهیم و مصادیق آن به‌نحو وسیعی میان پژوهشگران رایج است و نمی‌توان در مقاله‌ای کوتاه به همه ابعاد و جوانب آن پرداخت. افراط‌گرایی در ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر سیاسی کردن دین با هدف استقرار بخشیدن حاکمیت خدا بر نظام دنیوی است که می‌توان در تعداد زیادی از ادیان جهان مشاهده کرد (لیست، ۱۳۸۳: ۴۰۱). با این حال، واژه افراط‌گرایی در کاربرد معاصر آن، مرتبط با تمامی ادیان بزرگ جهان است و به‌عنوان نوعی حرکت یا طرح سیاسی - مذهبی به‌شمار می‌آید، نه یک ادعای محض حقیقت نص متون کتاب‌های مقدس

1. Mackie
2. Marsh
3. Ethnocentrism
4. Extremism

(گریفیتس، ۱۳۸۸: ۳۰۰).

واقعیت‌های عالم تنها به دنیای ملموس پیرامون ما محدود نمی‌شود. به طور کلی، واقعیت‌های عالم سه وجه دیگر نیز دارند که همه آن‌ها بیرون از تجربه‌های مستقیم ما قرار می‌گیرند. این واقعیت‌ها عبارتند از: الف) واقعیت‌های مربوط به نیاکان و پیشینیان، ب) واقعیت‌های جهان معاصر که برای ما جنبه حضوری ندارند، و ج) واقعیت‌های مربوط به آیندگان و فرزندان (معینی علمداری، ۱۳۹۴: ۴۵). براساس این تحلیل از واقعیت‌های زندگی، می‌توان بیان داشت، افراط‌گرایی اساس اندیشه خود را بر واقعیت‌های غیرملموس از نوع نخست قرار داده است و راه را برای پذیرش واقعیت‌های خارجی از دیگر قسم‌ها اگر نبسته باشد، بسیار تنگ کرده است.

بنیادگرایی^۱ یک روش تفکر است که بر طبق آن، اصولی را که دارای اعتبار تغییرناپذیر و فوق‌العاده هستند، صرف نظر از محتوای آن‌ها، به عنوان "حقایق" اساسی به‌شمار می‌آورد. لذا وجوه اشتراک بنیادگرایی‌های حقیقی، اندک است یا اساساً وجه اشتراکی ندارند، جز آن که هوادارن‌شان مایل‌اند که جدیت یا اشتیاقی را ابراز کنند که زائیده ایقان مکتبی است. گرچه بنیادگرایی معمولاً تداعی‌کننده دین و نص‌گرایی متون مقدس است، اما در آیین‌های سیاسی نیز یافت می‌شود. حتی می‌توان گفت که شکاکیت لیبرالیستی نیز حاوی این اعتقاد بنیادگرایانه است که تمامی نظریه‌ها بایستی مورد تردید قرار گیرند (به‌جز خود نظریه لیبرالیستی). هرچند واژه بنیادگرایی غالباً در معنای منفی به کار برده می‌شود تا بیانگر نرمش‌ناپذیری، جزم‌اندیشی و اقتدارگرایی باشد، اما بنیادگرایی ضمناً می‌تواند موجب ازخودگذشتگی و ایثار به‌خاطر یک اصل اعتقادی باشد (هیوود، ۱۳۷۹: ۵۱۰). در این پژوهش تمرکز بر افراط‌گرایی به‌عنوان گونه‌ای از بنیادگرایی است.

گروه‌های تروریستی سیاسی - مذهبی که انگیزه مذهبی دارند شامل گروه‌های مسیحی، یهودی، سیک، هندو، بودایی و اسلام‌گرا می‌شوند. از جمله این گروه‌ها ارتش خداوند در ایالات متحده آمریکا، کالج و کاهنی چای در اسرائیل، بین‌الملل بربهای خالص در ایالت پنجااب هند و آئوم شینریکیو در ژاپن است. گروه آئوم که گروهی قیامت‌باور است، هدف خود را به چنگ آوردن ژاپن و سپس همه جهان می‌داند. در میان گروه‌های اسلامی نیز به‌عنوان نمونه گروه القاعده دستور کار اسلامی جهانی یا جهان‌شمول دارد، که برخلاف برخی گروه‌های اسلامی است که در

۱. بنیادگرایی (Fundamentalism) از افراط‌گرایی جدا است. در واقع افراط‌گرایی گونه‌ای از بنیادگرایی است. در این پژوهش اساس بر بررسی افراط‌گرایی است و اشاره به بنیادگرایی اسلامی از جهت ریشه‌یابی بوده است.

سرزمین خود مبارزه می‌کنند. رهبران مذهبی که انگیزه‌ای سیاسی دارند برای توجیه خشونت، روایت‌های فاسدی از متون دینی را تبلیغ می‌کنند که به‌طور عمده مذاهب بزرگی مانند اسلام را به روش خود تفسیر می‌کنند و با سلیقه خود جلوه می‌دهند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۳۰۰).

در نهایت باید بیان داشت که افراط‌گرایی به اندیشه دگماتیک در ساختار اعتقادی بازمی‌گردد؛ شاید بتوان گفت، افراط‌گرایی تلاش برای ایجاد اجتماع از سوی آن‌هایی است که اجتماعی ندارند.

نهیلیسم

اصطلاح نهیلیسم^۱ از واژه نیهیل^۲ در زبان لاتین، به معنای هیچ و عدم آمده است. نهیلیسم نظریه و مکتبی فلسفی است که منکر هر نوع ارزش اخلاقی و مبلغ شکاکیت مطلق و نفی وجود است (آشوری، ۱۳۸۹: ۳۲۲). در واژه نهیلیسم، نیهیل به معنای ناموجود نیست، بلکه در درجه نخست بر ارزشی برابر صفر دلالت دارد. زندگی وقتی نفی دارد و خوار شمرده می‌شود، ارزشی برابر صفر خواهد داشت. خوارشماری، همیشه افسانه‌ای را پیش‌انگاره خود دارد: فرد، از طریق یک افسانه زندگی را تحقیر می‌کند و دروغین می‌داند، از طریق این افسانه است که چیزی، در تضاد با زندگی قرار داده می‌شود. سپس، کل زندگی، غیرواقعی و همچون نمود نشان داده می‌شود، و به‌تمامی، ارزشی برابر صفر به‌خود می‌گیرد. ایده یک جهان دیگر، جهانی فراحسی، در همه شکل‌های آن (خدا، جوهر، خیر، حقیقت) و ایده ارزش‌های برتر از زندگی، نه ایده‌ای در میان هزاران ایده دیگر، بلکه، عنصر سازنده همه افسانه‌سازی‌ها است (دلوز، ۱۳۹۰: ۲۳۸).

کنش اجتماعی آن‌گاه تغییر می‌کند که تصویرهایی که به آن، جهت و حقانیت می‌دهد دیگر پاسخگوی خواسته‌های زندگی نباشد و این خواسته‌ها تعهدهای نوینی بیافریند یا آنگاه که بینش افراد خلاق رودرروی فرضیه‌های عمل‌کننده قرار گیرد و نمادها و شکل‌های نوینی طرح کند که تصویرهای موجود را زیرورو سازد. نهیلیسم اوضاعی را توصیف می‌کند که در آن بین تجربه ما از جهان و دستگاه مفاهیم در اختیار ما، که برای تفسیر جهان آن را به ارث برده‌ایم، شکاف به وجود می‌آید (انسل، ۱۳۹۰: ۶۴). این شکاف در سراسر تاریخ اندیشه انسان نمایان است. زوال اسطوره، بی‌معنایی، از دست دادن ارزش و ... تمامی، نمایان‌گر نهیلیسم در اندیشه انسان است. نهیلیسم در حالتی خفته قرار دارد که به محض بروز بحران نمایان می‌شود. در این میان بنا به گفته

1. Nihilism
2. Nihil

نیچه، فاجعه زمانی رخ می‌دهد که همه ارزش‌های عالی بشری به ارزش‌های نیست‌انگارانه بدل گشته و به نام مقدس‌ترین نام‌ها فرمان می‌راند (نیچه، ۱۳۸۵: ۳۳).

افراط‌گرایی اسلامی و نهیلیسم

پاسخی افراطی، ریشه‌ای نهیلیستی

اگرچه در علوم اجتماعی، همواره بحث از افراط‌گرایی بوده است اما به کارگیری واژه «افراط‌گرایی اسلامی» حدوداً به دهه ۸۰ میلادی بازمی‌گردد. منظور از افراط‌گرایی دینی، اشاره به گروه‌هایی است که به دلایلی، با فرآیندهای حاکم بر شرایط روز مخالفت می‌کنند و با ارجاع به بنیادهای اصلی دین خود، نوعی جامعه ایده‌آل ذهنی ترسیم می‌کنند و وضعیت موجود را به دلیل عدم تطابق با آن جامعه ایده‌آل به نقد می‌کشند. بنابراین افراط‌گرایی، نگاه نوستالژیک از شرایط مدرن به شرایط اولیه و پیشین است. در حقیقت افراط‌گرایان قصد زنده کردن بنیادهای غیرقابل نقد و مقدس را در روزگار مدرن دارند (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۲). در فرهنگ آکسفورد این گونه آمده است: «افراط‌گرایی اسلامی اصطلاح مورد منازعه‌ای که به طور وسیع در ایالات متحده امریکا و انگلستان برای اشاره به هر جنبش طرفدار اجرای دقیق تعالیم قرآن و شریعت (قانون اسلامی) به کار می‌رود. اساساً آنچه در جهان اسلام به عنوان "افراط‌گرایی" اشاره می‌شود، تعداد فزاینده گروه‌ها، انجمن‌ها و جنبش‌هایی است که به جنبش‌های اصلاحی اسلامی سابق از قرن نوزدهم به بعد انتقاد می‌کند. گمان می‌شود جنبش اولیه با برنامه غربی تطابق داده شده است. این گرایش اصلاح اسلامی در قرن نوزدهم توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۸۹۷ - ۱۸۳۷) و محمد عبده (۱۹۰۵ - ۱۸۴۹) به جریان افتاد. پس از آن، دفاع از احیای اسلام و جامعه اسلامی بر این جریان مسلط شد؛ چون سرنوشت جهان اسلام به نحو فزاینده‌ای در اختیار قدرت‌های اروپایی بود که به دلخواه خود به آن شکل می‌دادند (مک کین، ۱۳۸۷: ۴۹۸). طرفداران افراط‌گرایی اسلامی معمولاً خود را «اسلامیه» (اسلام‌گرا) و یا «اصولیین» (بنیادگراها) می‌نامند. غالباً افراط‌گرایی اسلامی با مفهوم جهان‌بینی اسلامی اشتباه گرفته می‌شود. جهان‌بینی نه تنها به اسلام، بلکه به دیگر ادیان نیز اختصاص دارد. هم‌زمان بسیاری از طرفداران جهان‌بینی اسلامی نظیر سلفی‌ها، تصفیه اسلام و بازگشت آن به اصول اولیه را که در زمان پیامبر اسلام و چهار خلیفه نخست (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) اجرا می‌شد، وظیفه خود می‌دانند؛ اما خطر زمانی به وجود می‌آید که اصول‌گرایی و یا مکتب‌های اسلامی حل شده در آن، شکل افراطی و جنگ طلبانه به خود بگیرد.

تاریخ زمانی را که اصول‌گرایی مسیحیت به افراط‌گرایی کاتولیک - مسیحی تبدیل شد، به یاد دارد؛ اقدامات خونین و قتل عام مسلمانان در جنگ‌های صلیبی گویای این امر است (پریماکوف، ۱۳۹۱: ۳۹). همچنین، سلفیت و اکنش پیروان متعصب اسلام در برابر دگرگونی است؛ برای سلفیان عنصر بازگشت، عنصری اساسی است که بیانگر بازگشت به سلف صالح است و به اعتقاد آن‌ها در صورت تحقق مجموعه تعالیم پیامبر اسلام، مشکلی در جامعه باقی نخواهد ماند (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۴۳۷). در دو دهه اخیر، بویژه پس از ظهور گروه طالبان در کشور افغانستان، افراط‌گرایی اسلامی به‌عنوان نظام اعتقادی متعصب به واژه‌ای کلیدی در جهان اسلام و جامعه جهانی تبدیل شده است (رنجبر، ۱۳۹۲: ۸۵). پس از شروع موج اسلام سیاسی در اواخر قرن بیستم در سرزمین‌های مختلف اسلامی از یک‌سو، و نمودهای فزاینده این گونه جریان‌ها از سوی دیگر، روند فزاینده افراط‌گرایی خشونت‌محور آشکار شد که تا پایان این دهه با وقایع پی‌درپی در عرصه سیاست جهانی قابل پی‌جویی است؛ حادثه یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در ایالات متحده آمریکا توسط گروه تروریستی القاعده، به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ افراط‌گرایی، موج وسیعی از اسلام‌هراسی را در پی داشت. خشونت‌گرایی و تروریسم که به‌صورت بزرگ‌ترین تهدید امنیتی واحد هم برای حکومت‌ها و هم برای جوامع مطرح شده است تا پیش از این مشکلی در زمینه نظم و قانون تلقی می‌شد؛ اما اکنون تهدیدی برای امنیت ملی به‌شمار آمده است (گریفتیس، ۱۳۸۸: ۳۰۶). ایالات متحده آمریکا پس از تهدید خواندن تروریسم، با حمله به افغانستان و ساقط کردن طالبان که از تروریست‌های القاعده حمایت می‌کرد، جنگ با تروریسم را آغاز کرد که به وخیم‌تر شدن اوضاع منجر شد؛ القاعده که تا پیش از این تاریخ، سازمانی متمرکز، هرمی و دارای پایگاهی مشخص (افغانستان و پاکستان) بود، با پراکندگی اعضا و ایدئولوژی آن به عراق، کوزوو و چین، سوریه و شمال آفریقا دوره‌ای نو از فعالیت را در سطح جهانی آغاز کرد. به‌سختی دیگر، القاعده و گروه‌های تروریستی هم‌فکر و شبیه به آن را پس از حادثه یازده سپتامبر، باید "ایدئولوژی" نامید نه "سازمان"؛ زیرا بسیاری از گروه‌های بنیادگرای اسلامی به تأسی و الگوبرداری از شیوه و ایدئولوژی القاعده به اقدامات تروریستی دست می‌زنند (پریماکوف، ۱۳۹۱: ۴۳). با ازبین‌رفتن یا تضعیف گروه‌هایی مانند القاعده و طالبان، جبهه جهاد جهانی به حالتی هرج‌ومرج طلبانه و پر از تنوع و اختلاف روی آورده است و آنچه که بیش از هر زمانی قوی‌تر شده است ایده القاعده است که همراه با تحولات سیاسی - اجتماعی و نظامی در خاورمیانه عربی

و ظهور داعش^۱ در دهه دوم قرن بیست‌ویکم آشکار شده است. حملات تروریستی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۴ میلادی در فدراسیون روسیه توسط چریک‌های مسلمان چینی، سقوط هواپیمای مسافربری فدراسیون روسیه در مصر، حوادث نوامبر سال ۲۰۱۵ پاریس در فرانسه و مارس سال ۲۰۱۶ بروکسل در بلژیک توسط عناصر داعشی نیز در این جرگه جای می‌گیرد. به این ترتیب گروه‌های افراط‌گرای اسلامی پیوندی ناگسستنی با خشونت برقرار کرده‌اند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۴). ریشه بسیاری از افراط‌گرایی‌های اسلامی به اندیشه‌های ابن تیمیه (۷۲۸ - ۶۶۱) باز می‌گردد. ابن تیمیه را پایه‌گذار نهضت سلفی می‌نامند؛ به این دلیلی که ابن تیمیه در آموزه‌های خود جهت ترمیم آنچه انحطاط مسلمانان می‌دانست، بازگشت به صدر اسلام و زدودن اضافات شعائری، کلامی، فلسفی و ... را در طول تاریخ از واجبات تلقی می‌کرد (قادری، ۱۳۹۴: ۱۰۵). اندیشه‌های ابن تیمیه بر جریان وهابیت تأثیر شایانی گذاشت و چند قرن پس از روزگار وی در نقاط مختلف گسترش پیدا کرد و برداشت‌های گوناگون از اندیشه او موجب پدید آمدن جریان‌های مختلف از سلفی تکفیری مذهبی تا سلفی جهادی سیاسی و ... شد (پورآیین و مرادی، ۱۳۹۵: ۶۱). همچنین باید بیان داشت، نوعی نهیلیسم در میان نسلی از جوانانی که در نتیجه فرایند جهانی شدن همه چیز خود را باخته و شیفته مرگ شده‌اند وجود دارد. این شکلی از نهیلیسم است که به وفور در جاهای دیگر نیز قابل مشاهده است: برای نمونه می‌توان آن را در کشتار کلمبیا دید که در آن دانش‌آموزان دبیرستانی همکلاسی‌های خود را کشتند و از این عمل فیلم‌برداری کردند. این پدیده که به نظر می‌رسد به نحوی غریب بر کشورهای پروتستان، شمال ایالات متحده امریکا و اسکاندیناوی اثر می‌گذارد، به جنون فردی یک نفر تقلیل داده می‌شود (مانند بریویک در نروژ)، حال آن که همگان تروریسم القاعده را به اسلام وصل می‌کنند.

اما نکته‌ای که باید در جستجوی آن باشیم تبارشناسی عامی است که در پشت این نهیلیسم انتحاری نهفته است. این پدیده فراتر از اسلام و مسلمانان است، اما نکته در این جا است که گروه‌هایی مانند القاعده و داعش قادر هستند به این جوانان قلمرو واقعی برای قهرمان‌سازی اعطا کنند و به آن‌ها تضمین می‌دهند که نقش اول رسانه‌ها خواهند شد (روی، ۱۳۹۳: ۱۰). مسأله مهمی که نباید فراموش کرد این است که نهیلیسم و بحران‌های ناشی از سیطره آن به هیچ‌وجه مختص به اندیشه‌ای خاص نیست؛ انسان صاحب اندیشه بدون تردید با نهیلیسم مواجه می‌شود، اما آنچه در این بین اهمیت پیدا می‌کند راهی است که شخص برای عبور از نهیلیسم و بازارش‌سازی

برمی‌گزیند. در افراط‌گرایی به مفهوم عام و افراط‌گرایی اسلامی به مفهوم خاص، راه عبور از نهیلیسم با زبان خشونت تعریف می‌شود. تئاتر همیشه چیزی بیش از زبان محض بوده است. زبان را فقط می‌توان خواند اما تئاتر حقیقی در اجرا نفوذ پیدا می‌کند (اسلین، ۱۳۸۸: ۳۶۵). این جمله از مارتین اسلین شباهت بسیاری به خشونت - بویژه بحث ترور - در افراط‌گرایی دارد. در حقیقت بی‌راه نیست اگر بیان شود، زبان خشونت بخش جدایی‌ناپذیر افراط‌گرایی است. در این معنا، قلمرو تروریستی برای بودریار مهم می‌شود؛ قلمرو مفهومی. در واقع، بحث وانمودها و وانمایی این است که چون امر واقعی ناپدید می‌شود، صحبت از توهم و خیال نیز خود به خود به حاشیه رانده می‌شود (جی. لین، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

خشونت، زبان افراط‌گرایی

در مقایسه تطبیقی افراط‌گرایی اسلامی و نهیلیسم باید بیان شود که، یکی از واکنش‌هایی که در برابر نهیلیسم از سوی فرد و یا گروهی خاص صورت می‌گیرد، استفاده از زبان خشونت است. حمید احمدی در کتاب "جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی"، سه نوع اقدام خشونت‌بار را از یکدیگر متمایز می‌شمارد: خشونت‌های واکنشی، خشونت‌های ایدئولوژیک و نیز خشونت‌های فرقه‌ای. در این میان، گونه سوم که نوعی اقدام کورکورانه و تروریستی است، مردم عادی و غیرنظامی نیز هدف عملیات خشونت‌بار گروه‌های اسلامی تندرو قرار گرفته‌اند که می‌توان آن را خشونت فرقه‌ای ناشی از تعصبات قبیله‌ای، هرچند در چهارچوب ابزار نوین قلمداد کرد (احمدی، ۱۳۹۰: ۸۹ - ۸۸). حملات تروریستی از نوع انتحاری و غیرانتحاری در نظر گروه‌های متعصب مذهبی و ملت‌گرا که آن‌ها را نوعی جنگ مقدس و اجرای فرمان الهی می‌دانند جذابیت خاصی دارد. این پدیده بویژه در میان گروه‌های تروریست افراط‌گرای مسلمان رواج چشم‌گیری پیدا کرده است. برای نمونه از دید آن‌ها انجام‌دهنده حمله انتحاری دست به خودکشی زده است بلکه وی شهیدی است که در جریان اجرای حکم دینی جهاد یا «جنگ مقدس» جان سپرده است. به‌بیانی دیگر، این گروه‌ها آن‌چه را که داعی زیستن می‌نامند، در عین حال دلیل بسیار مناسبی برای مردن است. اکثر این شهیدان پیشینه اجتماعی پایینی دارند. این گونه شهیدان ویژگی‌های مشترک چندی دارند که می‌توان خطوط اصلی سیمای آن‌ها را بر این اساس ترسیم کرد. آن‌ها معمولاً جوان‌سال (۱۸ تا ۳۰ ساله)، مجرد، بیکار و از خانواده‌ای تهیدست‌اند؛ بنابراین دلیل اصلی و نخستین انجام حملات تروریستی و انتحاری بیش‌تر این شهیدان آمیزه‌ای از تعصب مذهبی و

افراط‌گرایی ملی همراه با آرزوی انتقام است و نه ناامیدی فردی (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۳۰۸). افراط‌گرایان معمولاً در ازای محرومیت‌های‌شان در جامعه و در اثر اعتقاد به این مسأله که «غیرمتعهدین»، گمراه هستند، رفتار ستیزه‌جویانه‌ای با کفار و مسلمان‌های غیرفعال دارند. افراط‌گرایان اسلامی برای تحمیل عقاید و شیوه‌های رفتاری خود بر جامعه به‌عنوان مبلغان ایدئولوژیک و انقلابیون بالقوه، فعالیت وسیعی انجام می‌دهند. این امر، اختلاف شدید آن‌ها را با صوفیان درون‌گرا که معمولاً تفکر صوفیانه و عرفانی را جانشین فعالیت سیاسی می‌کنند، آشکارا نشان می‌دهد (دکمجیان، ۱۳۹۰: ۷۱). بعد از عملیات انتحاری اعضای گروه القاعده در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در ایالات متحده آمریکا، این عبارت به طور مکرر از زبان دولت‌مردان و گروهی از روشنفکران امریکایی شنیده می‌شد که جهان تغییر کرده است، از این جهت به تعبیر *اریک هابزبام*، مورخ بنام انگلیسی که تاریخ نه بر اساس جریان‌های بزرگ تاریخی شنیده می‌شود، ۱۱ سپتامبر آغاز تاریخی جدید در دنیایی متحول‌شده است؛ دنیایی که از درک مفهوم زندگی عاجز مانده است. شبح تروریسم و نمایان شدن قدرت تخریبی بدون سابقه آن همراه با آشکارشدن آسیب‌پذیری ایالات متحده آمریکا، بهت ناشی از عملیات انتحاری و باورهای مختلفی را در مورد تروریسم بویژه از نوع القاعده در پی داشته است. این باور در سطح‌های مختلف، از سطح اقدامات جنون‌آمیز و به‌کار گرفتن نیروهای مسخ‌شده، تا باور به شهادت و جنگ مقدس در نوسان بوده است. کانون‌های این بحران از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، انفجار در شهرهای مادرید اسپانیا و لندن انگلستان، همچنین انفجار نافرجام در شهر منچستر انگلستان، ماجرای اردوگاه نهرالبارد در کشور لبنان، اوج‌گیری عملیات طالبان در افغانستان به‌عنوان خلف افغانی القاعده، تشدید عملیات انتحاری در پاکستان و کشته‌شدن *بینظیر بوتو*، به‌کارگرفتن نوجوانان در عملیات انتحاری در شهرهای بغداد و موصل عراق و ... گمان‌های نادرستی را در مورد ماهیت و اهداف عملیات انتحاری رقم زده است. حمله انتحاری از دیگر انواع خودکشی بسیار متفاوت است؛ اگر خودکشی را اقدامی برای گریز از پوچی یا فرار از استمرار روزمرگی و بدون هدف بودن قلمداد کنیم، عامل حمله انتحاری دارای هدف است. چنین شخصی برای هدف خود دست به طراحی برنامه‌ای می‌زند که منجر به مرگ خود و دیگران می‌شود. اگر مستقل از ارزش‌گذاری و برداشت‌های طرفین این حرکت را تحلیل کنیم، هدف شخصی که اقدامی انتحاری انجام می‌دهد پیش از آنکه بخواهد خود را از بین ببرد و یا به پوچی رسیده باشد، هدفی بس بزرگتر است که حاضر است خود را برای آن فدا کند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۳۹۴).

۳۳۰ - ۳۲۸). همچنین برخی تحلیل‌ها افزایش فاصله میان کشورهای غنی، پیشرفته و صنعتی و فقیرترین کشورها که بیشتر جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند را به تهدید تروریستی از جانب افراط‌گرایی اسلامی مرتبط می‌دانند. درحالی‌که اسامه بن‌الادن، رهبر سابق سازمان القاعده متعلق به ثروتمندترین خانواده غیرسلطنتی عربستان بود و دکتر ایمن الظواهری به یکی از تحصیل‌کرده‌ترین خانواده‌های مصر تعلق دارد (پریماکوف، ۱۳۹۱: ۴۰). واقعیت این است که افزایش افراط‌گرایی اسلامی به چندین عامل و شرط خاص مرتبط است. ساختار نابسامان اقتصاد و سیاست جهانی، ستیزهای طولانی‌مدت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - بویژه در کشورهایی که طعم استعمار را چشیده‌اند - را به وجود آورده است که بسیاری از کشورهای جهان اسلام که منابع طبیعی سرشاری دارند آن را تجربه می‌کنند. جنگ‌های فرسایشی ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمان‌های این کشور در اروپا و خاورمیانه با مسلمانان در افغانستان، عراق، فلسطین، لبنان و یمن مجموعه کاملی از شکست‌های تحقیرآمیز را برای مسلمانان در پی داشته است. به‌عنوان نمونه، بی‌ثباتی و هرج‌ومرج در عراق، پایگاه مناسب مردمی برای رواج اعمال خشونت‌محور است. به نقل از روزنامه "یو. اس. ای تودی"، ۸۱ درصد مردم عراق در نظرسنجی اعلام داشته‌اند که ارتش ایالات متحده آمریکا متجاوز است و تنها ۱۳ درصد با حمله ایالات متحده آمریکا به عراق موافق بودند. ضمن افزایش نرخ بیکاری تا ۵۰ درصد، مردم عراق شرایط کنونی را بدتر از دوران رژیم بعثی صدام حسین می‌دانند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۷). ایدئولوژی سیاسی افراط‌گرایان اسلامی با طرح «خاورمیانه بزرگ»^۱ از سوی ایالات متحده آمریکا در کشورهای مسلمان مقابله می‌کند و خواهان براندازی نظام‌های شیعی و نیز غیرنظام‌های اسلامی پادشاهی در کشورهای عربی و مسلمان است. بنیادگرایان اسلامی خواهان بازگشت به اندیشه و عمل خالص دوره صدر اسلام‌اند و به‌شدت با فرهنگ لیبرالی و غیرمذهبی ایالات متحده آمریکا و غرب مخالفت می‌کنند (پریماکوف، ۱۳۹۱: ۳۷).

این وضعیت شرایط مساعدی برای گروه‌های تروریستی افراط‌گرای اسلامی و تداوم ایدئولوژی‌های کینه‌توز است. شرایط فقر، بیکاری و نبود سیستم آموزشی و پرورشی مفید، غالباً انگیزه‌ای برای افراد شست‌وشوی مغزی داده شده جهت حمایت یا پیوستن به این‌گونه گروه‌ها را فراهم می‌آورد. گرچه آن‌ها که در فقر به سر می‌برند، بیکارند یا کار شایسته‌ای ندارند در برابر

۱. برای ایالات متحده آمریکا اندیشه اصلی خاورمیانه بزرگ از این نظریه جمهوری خواهان نشأت می‌گیرد که تنها از طریق گسترش دموکراسی، ضمن توسل به زور می‌توان در خاورمیانه بزرگ امنیت ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورها را در مقابل حمله‌های تروریستی تأمین کرد.

تلقین‌های ایدئولوژیک آسیب‌پذیرتر از بقیه‌اند، آنچه برای تروریست‌ها نیروی فعال یا حامی به وجود می‌آورد نه محرومیت نسبی، بلکه تلقین‌های ایدئولوژیک است. از آن‌جاکه شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای جنوب - از جمله کشورهای اسلامی و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق - زمینه مساعدی برای القای ایدئولوژی‌های ترویستی است، بخش اعظم گروه‌های تروریست به مناطق فقیرتر جهان تعلق دارند. هم جوامع سرزمینی و هم جوامع مهاجر که دارای گلایه‌ها و چشم‌داشت‌های واقعی و ذهنی‌اند، از گروه‌های تروریست اسلامی حمایت چشم‌گیر سیاسی، اقتصادی و نظامی به عمل می‌آورند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۳۰۱). در نهایت باید بیان داشت، موقعیت سیاسی و گفتمان اتخاذ شده توسط جنبش‌های افراط‌گرای اسلامی، تلاش برای «نفوذ و عمل» و «حضور» در تعامل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را آشکار می‌کند. در تمامی نهضت‌های افراط‌گرا، استفاده از تسلیحات نه به‌عنوان هدف، بلکه به‌عنوان علامت آزادی و همچنین ابزارهایی که می‌تواند توجه رسانه‌ها را به خود جلب کند، نقشی حیاتی دارد (شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۲).

چرا نهیلیسم؟ چرا افراط؟

بروز نهیلیسم تنها معطوف به ساحت اندیشه محض نیست؛ در فرهنگ، ادبیات، تئاتر، سینما و ... نهیلیسم همواره حضور دارد. در حقیقت این‌گونه از تفکر برخاسته از عدم قطعیتی است که ویژگی دوران ما را شکل داده است (هینچلیف، ۱۳۸۹: ۱۶). بروز نهیلیسم در ایدئولوژی پیامدی دوگانه دارد: بی‌اعتنایی و واکنش رادیکال. در حالت بی‌اعتنایی، شخص با بحران معنا و آشکارگی نهیلیسم روبه‌رو می‌شود و جهان، خود و در پی آن کنش و واکنش را پوچ می‌بیند و در نتیجه از تغییر وضع موجود امتناع می‌ورزد و شرایط جبری را می‌پذیرد. در واکنش رادیکال، فرد با بحران معنا و نهیلیسم روبه‌رو است اما تاب پذیرش شرایط موجود را ندارد و به دنبال یافتن راهی است تا به تغییر دست یابد؛ به علت ایجاد تعارض شدید میان ایدئولوژی فرد و جهان خارج، واکنش فرد در حالت شخصی قیام، اعتراض و برافروختن است و در حالت جمعی با ایجاد سازمان، حرکت دست‌جمعی، شورش و حتی ترور همراه است. به‌بیانی روشن‌تر نهیلیسم، با جنونی یکسان، آفریننده و آفریدگان را در هم می‌آمیزد؛ با حذف هرگونه اصل امیدبخشی، هر محدودیتی را رد می‌کند و با خشم کورکورانه‌ای که حتی دلیلی هم برای خود نمی‌شناسد، سرانجام به این نتیجه می‌رسد که کشتن آن‌که از پیشاپیش محکوم به مرگ شده است، برای او

یکسان است (کامو، ۱۳۹۴: ۳۷۳). هنگامی که نهیلیسم بر ایدئولوژی تأثیر می‌گذارد، تلاش برای رهایی از سوی شخصی که ساختار ارزشی او دچار بحران شده است، امری طبیعی می‌نماید. عبور از نهیلیسم و تلاش برای باارزش‌سازی در هر ایدئولوژی دچار بحران شده‌ای وجود دارد. در حقیقت برای ایدئولوگ، نهیلیسم مرحله پایانی و مرگ‌بار نیست، بلکه آن را به مدد درد و رنج حتی شفاف‌بخش می‌داند. به گمان چنین شخصی نهیلیسم، مرحله ضروری جنبشی است که اهداف معینی را دنبال می‌کند که همانا باارزش‌سازی ارزش‌های از دست رفته است (یونگر، ۱۳۸۶: ۸). اینکه هر ایدئولوژی در درون خود راه را برای نهیلیسم باز می‌کند امری قطعی است. نظام فکری افلاطون در روزگار باستان، سامان اندیشه یهودی - مسیحی، آیین بودا، اندیشه اسلامی و ... همه در درون ساختارهای فکری - باوری خود با نوعی نهیلیسم همراه‌اند. گمان نادرستی است که نهیلیسم مختص اندیشه غربی است؛ نهیلیسم در هر اندیشه و باوری همواره وجود دارد و از راه نقد و چالش تجلی می‌یابد. به گمان نیچه، اخلاق افلاطونی - مسیحی با ارزش دادن به باورهای اخلاقی زندگی ستیز راه را برای ظهور نهیلیسم هموار کرد (محبوبی آرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). اما نکته قابل تأمل این است که اکنون در نظام اندیشه اسلامی نیز دقیقاً این راه هموار شده است و پیامدهای خود را هر چه بیشتر نمایان می‌کند که یکی از پاسخ‌ها در افراط‌گرایی اسلامی نمود می‌یابد.

فردی که در نهیلیسم گرفتار شده است حتی از نابودی خود هم ابایی ندارد. استدلال فرد روبه‌رو با فروپاشی نظام ارزشی و آغاز بی‌معنایی، به این شکل خواهد بود که: «بهترین چیز به تمامی از دسترس شما بیرون است: به دنیا نیامدن، نبودن، هیچ بودن. اما دومین چیز بهتر برای شما همانا این است: زود مردن» (پیرسون، ۱۳۹۲: ۲۸). از پس این استدلال، ترور، تروریسم و روحیه کشتن نتیجه می‌شود. یکی از نتایج حس پوچی از بین رفتن سامان اندیشگی در ساختار فرد واکنش‌دهنده قلمداد شده است. در بیانی روشن‌تر، «ناخوشی اگزستانسیال» در «ناکامی همه‌جانبه در جست‌وجو برای معنای زندگی» ریشه دارد (یالوم، ۱۳۹۲: ۵۸۴). در تفکر غربی، بحران معنا در باورهای مسیحیت و یهودیت رخ داد که متفکران برجسته‌ای چون فریدریش نیچه و مارتین هایدگر به شرح و توضیح چندوچون آن پرداخته‌اند؛ اما باید بیان داشت همان‌طور که اشاره شد بروز نهیلیسم تنها مختص به اندیشه غربی نیست و سراسر نظام اندیشگی شرق را نیز زیر سیطره خود قرار داده است. در این بین اندیشه اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و با نهیلیسم درگیر است و هیچ راهی ما را به رفتن دعوت نمی‌کند (عبدالکریمی، ۱۳۸۷: ۲۲۷). نهیلیسمی که در نظام اندیشه ایجاد شده است در پی باارزش‌سازی برمی‌آید. در این راه از ابزارهای موجود خود

استفاده می‌کند و اگر در طول زمان راه به‌جایی نبرد، دست به حذف می‌زند. اندیشه‌ای که دچار بحران است اگر از راه تلاش فرهنگی - اجتماعی به بازاری‌سازی دست یابد، شروع به ترمیم خود می‌کند و از اقدام رادیکال پرهیز می‌کند. اما در حالتی که فعالیت فرهنگی - اجتماعی راه به‌جایی نبرد، یا پیروان اندیشه درصدد پاسخ سریع و زود هنگام باشند، اقدام رادیکال گزینه مناسبی است. از این رو نهیلیسم واقعی در نهیلیسم متافیزیکی به تکامل نهایی می‌رسد (فارل کرل، ۱۳۷۹: ۱۹۷). بازاری‌سازی و دوباره معنادهی هزینه‌گرافی را در پی دارد. تقابل گروه‌های مختلف، عدم سازش، تلاش برای غلبه و در صورت لزوم حذف طرف مقابل، همه از پیامدهای داخلی نهیلیسم است. اما در بعد خارجی، اندیشه‌ای که با بحران معنا و نهیلیسم مواجه است، تاب پذیرش اندیشه مخالف را ندارد؛ از این رو ممکن است در شرایط بحرانی دست به بازاری‌سازی از راه اقدام رادیکال زند و اساساً چون نمی‌تواند نظام ارزشی رقیب را با ارزش‌های خود مغلوب کند، از راه اقدام رادیکال تسکینی بر درد خود می‌نهد. از این رو، نفی‌گرایی که یکی از نتایج سیطره نهیلیسم است دشمن شماره یک جوامع به حساب می‌آید (بودریار، ۱۳۹۴: ۵۹). بودریار در مقاله کوتاهی در باب نهیلیسم در «وانموده‌ها و وانمایی» بیان می‌دارد «من نهیلیستم». به بیان بودریار، زمانی که به طرد ارزش‌های والا در نهیلیسم می‌اندیشیم، نهیلیسم واکنشی را در نظر آورده‌ایم؛ واکنشی در مقابل چیرگی ارزش‌های والا (لین، ۱۳۸۹: ۱۶۳). نهیلیسم اصطلاحی است برای توصیف فقدان ارزش و معنا در زندگی آدمیان. نیچه زمانی که اعلام می‌دارد خدا مرده است، بر این منظور است که جایگاه آیین یهودیت و مسیحیت، به منزله نیروهای راهبردی و هدایت‌گر در زندگی ما، دیگر از دست رفته است و هیچ چیزی هم برای جایگزین کردن وجود ندارد. آرمان زهد مسیحیت، آن چیزی است که در نهایت تیشه بر ریشه همه چیز، از جمله خود مسیحیت، می‌زند و به نهیلیسم می‌انجامد. اخلاق یهودی - مسیحی، وقتی از باور به آن اسطوره حاضر در قلب مذهب یهودیت - مسیحیت دست کشیدیم - امری که پس از انقلاب علمی اتفاق افتاد - خصیصه خود به‌منزله اصول الزام‌آوری که به زندگی آدمیان، حیات می‌بخشد را از دست داد. فقدان این اصول اخلاقی آن‌هم از پس آن که هزاران سال در کانون زندگی انسان جای داشت، انسان را به ورطه نهیلیسم می‌کشاند. تاریکی ما را درمی‌رباید و دیگر هیچ چیز ارزش واقعی ندارد. معنای راستینی برای زندگی ما نیست و از آن‌جا که هیچ معیاری نهایی برای قضاوت وجود ندارد، هیچ شیوه‌ای از رفتار با خود و زندگی خود نیز نسبت به سایر رفتارها ارجحیت ندارد (کونارد، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

بستری به نام سنت

برای روشن تر شدن این ارتباط باید بیان داشت که ویژگی بارز جوامع خاورمیانه، سنت، نفت و شبه بازار است (ستاری، ۱۳۹۴: ۹). در این تحلیل، بحث سنت اهمیت خاصی می‌یابد؛ در حقیقت سنت را به هیچ وجه نمی‌توان از ساختار جوامع خاورمیانه حذف کرد. سنت^۱ مفهومی کلیدی است که اساس افراط‌گرایی را در اسلام شکل داده است. تمامی بروز و سیطره نهیلیسم از دریچه این سنت و پافشاری بر روی نظام ارزشی آن ایجاد می‌شود. مادامی که نظام ارزشی سنت محور و نظام ارزشی دیگری که اصولی مغایر با آن را برگزیده است، در تعارض باشد، چالش و درگیری با نهیلیسم بدون پایان است. نهیلیسم در ساحت سیاست، مستلزم تخریب کامل نهادهای موجود سیاسی، همراه دیدگاه‌های حامی آن‌ها و ساختارهای اجتماعی است. از همین رو در افراط‌گرایی اسلامی زبان خشونت و اقدام رادیکال به شدت نمایان می‌شود (کراسبی، ۱۳۹۳: ۲). به بیانی روشن‌تر، نهیلیسم به هیچ عنوان وجود اندیشه‌ای در مقابل خود را نمی‌پذیرد و در صدد نابودی آن برمی‌آید (Demir, 2009: 39). از مقایسه افراط‌گرایی و نهیلیسم، تحلیلی به دست می‌آید به این صورت که، همان گونه که بیان شد، یکی از واکنش‌هایی که در برابر نهیلیسم اتخاذ می‌شود، کنش خشونت محور است. کنشی همراه با نیروی خشن نابودی که نیچه آن را با آنارشسیسم روسی پیوند می‌دهد. این نهیلیسم خود را پیش‌آموز انقلاب در زندگی روزمره می‌داند (کریچلی، ۱۳۹۳: ۵۵). انتخاب این نوع از واکنش در برابر نهیلیسم از سوی همه سازمان‌ها و گروه‌های افراط‌گرا در اسلام بسیار محسوس است. در واقع استفاده از نیروی خشن نابودی، یکی از سریع‌ترین واکنش‌هایی است که در کوتاه‌مدت به نتیجه دلخواه می‌رسد. همین که این دو واقع پذیرفته شد، یعنی پذیرفته شد که شدن فاقد هدف است، و وحدت عظیمی که فرد بتواند در آن همچون در عصری با ارزش والا فرو رود، هدایتش نکرده است، گریزگاهی ممکن باقی خواهد ماند: محکوم کردن تمامی این جهان شدن همچون چیزی واهی، و ابداع جهانی واقع در عالم بالا که جهانی حقیقی خواهد بود (دلوز، ۱۳۷۸: ۱۲۱). بیان فوق دقیقاً نظامی است که افراط‌گرایی اسلامی و بویژه گروه داعش در ساختار باوری خود اتخاذ کرده است. این شیوه، شیوه‌ای است که پس از مواجه شدن با نهیلیسم به کار می‌رود تا نظام ارزشی از دست رفته بازارش سازی شود. با این وضعیت، نهیلیسم می‌تواند برای نخستین بار در طول تاریخ به سلاح‌هایی مجهز شود که به هیچ عنوان قابل کنترل نیست و با گذشت زمان تهدیدی بسیار جدی برای هر اندیشه‌ای تلقی

شود (2: Krauthammier, 2001).

در واقع به بیان بودریار، حادواقعیت پست‌مدرنیسم فراتر از خیر و شر است؛ و کار تروریسم، بازگرداندن جامعه به جهان ساختارها و رخدادهای اخلاقی است. اخلاقی که اکنون به بی‌اخلاقی میل پیدا کرده است (لین، ۱۳۸۹: ۱۶۰). مبدأ امر واقعی در عصر مدرن همان تصمیم به دگرگون کردن دنیا به واسطه علم و دانش تحلیلی و به کارگیری تکنولوژی است. به عبارت دیگر، امر واقعی به کلام *هانا آرنت*، با ابداع موضع ارشمیدسی در بیرون از این دنیا آغاز می‌شود که نتیجه آن بیگانگی کامل دنیای طبیعی است (بودریار، ۱۳۹۴: ۲۸). تکنولوژی امری اهریمنی نیست، اما ماهیتی اسرارآمیز دارد. *مارتین هایدگر* دامنه واکنش‌های ممکن به تکنولوژی را مشخص کرده است. این دامنه با اطاعت کورکورانه شروع می‌شود و با عصیان به همان اندازه کورکورانه خاتمه می‌یابد (آیدی، ۱۳۹۳: ۶۵). در این میان واکنشی که افراط‌گرایی نسبت به تکنولوژی و پیشرفت‌های ناشی از آن اتخاذ کرده است، بسیار به عصیان کورکورانه نزدیک است. افراط‌گرایی اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. نمی‌توان جنبش‌های بنیادگرای اسلامی را در حوزه جغرافیایی خود محصور کرد و این‌گونه اندیشید که این گروه‌ها به‌خودی‌خود و در خلأ به‌وجود آمده‌اند؛ بلکه به اعتقاد *آنتونی گیدنز*، افراط‌گرایی در برابر جهانی‌شدن به وجود آمده است و به‌نوعی واکنش انفعالی به آن است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵). گیدنز همچنین بیان می‌دارد که «نهادینه‌شدن شک در دوران مدرنیته به‌عنوان سرمنشأ گرایش‌های افراط‌گرایی به‌طور عام و افراط‌گرایی دینی به‌طور خاص است» (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۰۲). تعریف گیدنز از افراط‌گرایی از این قرار است: «افراط‌گرایی، بیان حقیقت آیین‌های یک سنت به‌شکل محض و دفاع از سنت به‌شیوه‌ای سنتی و گاه خشونت‌آمیز و متعصبانه در دنیایی است که این شیوه دفاع در آن پذیرفتنی نیست». براین اساس است که افراط‌گرایی از گفتگو گریزان است و دموکراسی را پذیرا نیست. از دید گیدنز مسأله اصلی در افراط‌گرایی، چگونگی دفاع از باورها است نه فحوا و مضمون آن‌ها. به‌همین جهت افراط‌گرایی حتی به عرصه گرایش‌های ملی، قومی، سیاسی و آموزه‌های بوم‌شناسی می‌تازد. پس، از آن‌جا که افراط‌گرایی بیشتر با سنت در ارتباط است، هرگونه سنتی، چه دینی و چه غیردینی، زمینه و استعداد پرورش آن را دارد؛ زیرا افراط‌گرایی در معنای عام، اصرار بر وجود "یک" نظر، خودداری از گوش سپردن به انتقاد و دفاع خشونت‌آمیز از نظرات شخصی است (طشت‌زر، ۱۳۹۱: ۱۱۰). اندرو هیوود نیز گروه‌های افراط‌گرا را به اندیشه‌های سکولار، جهان پس از دوران استعمار، ناکامی سوسیالیسم انقلابی و فرایند جهانی‌شدن مرتبط می‌داند و ظهور این گروه‌ها را نوعی واکنش جهان اسلام به این روند روبه‌رشد

پیوند می‌دهد (هیوود، ۱۳۷۹: ۵۲۴). می‌توان واژه جهاد را در برابر جهانی‌شدن قرار داد. چنانچه بنیامین باربر، پژوهشگر امریکایی نیز این‌گونه می‌اندیشد؛ او مفهوم اسلامی نو و کهنه جهاد را بررسی نمی‌کند؛ هدف او پیش‌کشیدن جهاد در مقام نماد واکنش جوامع جهان سومی در برابر پدیده جهانی‌شدن است که سلطه غربی را در دل خود دارد. جهانی‌شدن در این منظر در اقتصاد بازار و سلطه نظام مالی و پولی بر سراسر جهان و چیرگی تکنولوژی مدرن و رسانه‌های خبری و ارتباطی پیشرفته تجلی می‌یابد. این مهم موجب می‌شود احساس ناخوشایندی به انسان، در جهان سوم و حتی خارج از آن دست دهد؛ احساس این‌که به وسیله نیروهای کوری به کانون ناشناخته ترسناکی که با خشونت کشنده‌ای با او روبه‌رو می‌گردد، کشانده می‌شود؛ درست مانند ناتوانی که دیو غول‌پیکری او را احاطه کرده است و او ناگزیر و ناخواسته واکنش نشان می‌دهد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). همچنین باید بیان داشت، به‌عنوان مثال شبکه القاعده به قول پیلار، چیزی شبیه به اینترنت است؛ پدیده‌ای فراملی که در سال‌های اخیر رشد یافته است و برخی از مردم برای اهداف خود از آن استفاده می‌کنند، اما هیچ‌کس بر آن مالکیت ندارد و آن را کنترل نمی‌کند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۸). در بین سازمان‌های تروریستی اغلب هماهنگی به چشم نمی‌خورد و یا هماهنگی ضعیف است. فعالیت سازمان‌های مستقل هیچ ارتباطی با "القاعده" ندارد؛ اینترنت اهمیت ویژه‌ای دارد و اندیشه‌ها، اسناد، بیانیه‌های رهبران گروه‌های اسلامی خشونت‌طلب و نزدیکان آن‌ها (و از جمله برخی مبلغان مسلمان) را منتشر می‌کند (پریماکوف، ۱۳۹۱: ۴۳). پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، پایگاه‌های اینترنتی بسیاری به‌وسیله مجاهدین افراط‌گرا ایجاد شده است که جوان‌های بسیاری را به اندیشه‌ها و اعمال جهادی فرا می‌خواند. بیشتر این افراد، جوان‌های به‌حاشیه رانده‌شده و ناراضی در کشورهای صنعتی هستند که در سطح جهانی به‌هم پیوند یافته و جنبش جهادی را به‌وجود آورده‌اند (Atran, 2006: 135).

نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه پژوهش باید بیان داشت، افراط‌گرایی یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین نحله‌های فکری در هر ساختاری از ایدئولوژی است. از مقایسه تطبیقی و محتوایی افراط‌گرایی و نهیلیسم آشکار می‌شود که، افراط‌گرایی پاسخی جزمی به نقد و بازخوانی متونی است که مقدس شناخته می‌شوند. تعصب باعث می‌شود پیروان اندیشه‌ای خاص، ارزش مطلق و حقیقت را ویژه آیین خود بدانند و سایر اندیشه‌ها را گمراهی و انحراف به حساب آورند. افراط‌گرایی با تأکید بر

اصول و ارزش‌های خود‌نگاهی دیگر به اندیشه را نمی‌پذیرد و در مقابل آن واکنش نشان می‌دهد. مهم‌ترین عامل در سست‌شدن نظام ارزشی بروز نهیلیسم است؛ نهیلیسم در تاریخ اندیشه انسان همواره وجود داشته است و با بحران معنا شروع به بی‌ارزش کردن نظام ارزشی هر ایدئولوژی می‌کند. در عصر حاضر عامل اصلی تشدیدکننده نهیلیسم، تکنولوژی است. تکنولوژی، به همراه جهانی‌شدن و گسترش بدون مرز آگاهی، ایدئولوژی را با جنبه‌های دیگری از زیست‌جهان آشنا می‌کند که ممکن است با آموزه‌های بنیادین آن ایدئولوژی در تعارض باشد. حالتی که در این شرایط برای ایدئولوژی رخ می‌دهد، بحران معنا همراه با نهیلیسم است. احساس روانی حاصل از نهیلیسم و پوچی، بر ایدئولوژی تأثیر می‌گذارد و ایدئولوژی را به واکنش وادار می‌کند؛ یکی از نمودهای این واکنش پناه‌بردن به افراط‌گرایی است. در واقع افراط‌گرایی نتیجه سیطره نهیلیسم است. واکنشی که افراط‌گرایی در مقابل نهیلیسم اتخاذ می‌کند، در اغلب موارد واکنشی رادیکال است. واکنش رادیکال در بالاترین مرحله با ترور همراه است؛ ترور راه‌حل نهایی برای غلبه بر هر پدیده‌ای است که نظام ارزشی افراط‌گرایان را هدف قرار داده است. بنا بر نظریه بودریار، در وضعیت پست‌مدرن (جهان کنونی) پدیده حادواقعیت رخ می‌دهد. حادواقعیت مرز بین امر واقعی و امر خیالی را از بین می‌برد و این پدیده حادواقعیت است که افراط‌گرایان را با نادیده گرفتن فهم مرز بین واقعیت و خیال، وادار به کنش می‌کند. اندیشه اسلامی در عصر حاضر با نهیلیسم گریبان‌گیر است؛ نهیلیسمی که خود مرز بین واقعیت و خیال را مخدوش کرده است. افراط‌گرایی اسلامی یکی از واکنش‌های این اندیشه به نهیلیسم به‌شمار می‌آید. اندیشه اسلامی مانند هر نظام اندیشگی دیگری از باورهایی قطعی و غیرقابل تغییر شکل گرفته است؛ هنگامی که اندیشه اسلامی با اندیشه‌ها و ساختارهای فکری دیگری روبه‌رو شود دچار بحران می‌شود؛ این بحران با احساس پوچی و تزلزل در ارزش‌ها به اوج خود می‌رسد و اندیشه اسلامی را وادار به پاسخ‌گویی می‌کند. نمود رادیکال این پاسخ‌گویی در افراط‌گرایی اسلامی به اوج خود می‌رسد که با پدیده‌هایی مانند القاعده، طالبان و داعش جلوه می‌کند. در نهایت می‌توان بیان داشت افراط‌گرایی در هر شکلی از ایدئولوژی که باشد، پاسخی رادیکال به آماج نهیلیسم است.

منابع

الف - فارسی

- آشوری، داریوش، (۱۳۸۹)، *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، چاپ نوزدهم، تهران: مروارید.
- آقابخش، علی، (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- آیدی، دن، (۱۳۹۳)، *فلسفه تکنولوژی*، ترجمه شاپور اعتماد، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
- احمدی، حمید، (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۰)، «دیدگاه و گزارش: نگاهی به پدیده افراط‌گرایی اسلامی ناکام در ستیز با تاریخ»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۲۸.
- اسلامی، سعید، (۱۳۹۴)، *گفتمان‌های هستی و نیستی در اندیشه غرب*، تهران: فرهنگ مانا.
- اسلین، مارتین، (۱۳۸۸)، *تئاتر افسورد*، ترجمه مهتاب کلاتری و منصوره وفایی، تهران: آمه.
- انسل پیرسون، کیت، (۱۳۹۲)، *چگونه نیچه بخوانیم*، ترجمه لیلا کوچک‌منش، چاپ دوم، تهران: رخداد نو.
- انسل پیرسون، کیت، (۱۳۹۰)، *هیچ‌انگار تمام‌عیار - مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی نیچه*، ترجمه محسن حکیمی، چاپ دوم، تهران: خجسته.
- ایزدی اورلو، عظیم، (۱۳۸۷)، «پیام آوران نهیلیسم»، *روزنامه کیهان*، شماره ۲۶۳.
- بودریار، ژان، (۱۳۹۴)، *چرا همه چیز تاکنون ناپدید نشده است؟*، ترجمه احسان کیانی‌خواه، تهران: حرفه نویسنده.
- بودریار، ژان، (۱۳۹۴)، *روح تروریسم*، ترجمه کامران برادران، تهران: چترنگ.
- پریماکوف، یوگنی، (۱۳۹۱)، *دنیا بدون روسیه؟*، تهران: ایراس.
- پورآیین، فواد و مرادی، سجاد، (۱۳۹۵)، «تأثیر تفکرات ابن تیمیه بر جریان‌های سلفی معاصر»، *فصلنامه علمی - تخصصی تاریخ‌نامه خوارزمی*، سال چهاردهم.
- پولادی، کمال، (۱۳۹۴)، *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام*، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
- خواجه‌سروی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، *بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی*، ترجمه زینب قاسمی تازی و دیگران، تهران: دانشگاه امام صادق.
- دکمجان، هرایر، (۱۳۹۰)، *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده افراط‌گرایی اسلامی)*، ترجمه حمید احمدی، چاپ ششم، تهران: کیهان.
- دلوز، ژیل، (۱۳۷۸)، *نیچه*، ترجمه پرویز همایون‌پور، تهران: گفتار.

- دلوز، ژیل، (۱۳۹۰)، *نیچه و فلسفه*، ترجمه لیلا کوچک‌منش، تهران: رخ داد نو.
- رنجبر، مقصود و صیاد، محمدرضا، (۱۳۹۲)، «ستیز دولت و افراط‌گرایی و تأثیر آن بر توسعه در خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره ۱۵.
- روی، الیور، (۱۳۹۳)، «جذاییت‌های گسترش نهیلیسم»، ترجمه نیما پرژام، *روزنامه شرق*، شماره ۱۶۲.
- ژیرک، اسلاوی، (۱۳۹۲)، *لاکان به روایت ژیرک*، ترجمه فتاح محمدی، چاپ دوم، زنجان: هزاره سوم.
- ستاری، سجاد، (۱۳۹۴)، «صور بنیادی حیات نفتی (به سوی گذار از رانتیرسم و ادبیات دولت رانتیر)»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، سال اول، شماره ۲.
- شفیع‌سیف‌آبادی، محسن، (۱۳۹۳)، «واکاوی ریشه‌های پدیده افراط‌گرایی در خاورمیانه؛ مطالعه موردی جهانی شدن»، *فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین*، سال سوم، شماره ۹.
- صالحی نجف‌آبادی، عباس و رضایی، علیرضا، (۱۳۸۸)، «مبانی جنبش‌های اسلام‌گرایانه: نظریات و دیدگاه‌ها»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ۵.
- طشت‌زر، فریبا و حیدری، حسن و روحانی رصاف، جواد، (۱۳۹۱)، «دین و مدرنیته از نگاه آنتونی گیدنز»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی ادیان*، سال ششم، شماره ۱۱.
- طلوعی، محمود، (۱۳۸۵)، *فرهنگ جامع علوم سیاسی*، چاپ سوم، تهران: علم.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی، (۱۳۸۹)، «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تأکید بر عراق)»، *فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، شماره ۲.
- عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۸۷)، *ما و جهان نیچه‌ای*، تهران: علم.
- غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۹)، «منطق پژوهش تطبیقی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران*، زمستان ۱۳۸۸، دوره ۳، شماره ۴.
- فرهادپور، مراد، (۱۳۸۹)، «در باب نهیلیسم»، *درس‌گفتار مؤسسه پرسش*، جلسه نخست.
- قادری، حاتم، (۱۳۹۴)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- قزل‌سفلی، محمدتقی و نوریان دهکردی، نگین، (۱۳۸۹)، «قدرت سیاسی "داو" ایدئولوژی»، *فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، شماره ۲.
- کامو، آلبر، (۱۳۸۲)، *افسانه سیزیف*، ترجمه علی صدوقی و م - ع - سپانلو، تهران: دنیای نو.
- کامو، آلبر، (۱۳۹۴)، *عصیانگر*، ترجمه مهستی بحرینی، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- کراسبی، داندای، (۱۳۸۷)، «نهیلیسم»، ترجمه محمود لطفی، *فصلنامه فرهنگ*، شماره ۵۴.
- کریچلی، سایمون، (۱۳۹۳)، *خیلی کم ... تقریباً هیچ*، ترجمه لیلا کوچک‌منش، تهران:

رخداد نو.

- کونارد، مارک. تی، (۱۳۹۳)، *فلسفه فیلم نوآر*، ویراستار ترجمه مهرداد پارسا، تهران: رخداد نو.

- گریفیتس، مارتین، (۱۳۸۸)، *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.

- گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۴)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.

- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۲)، *فراسوی چپ و راست*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.

- لچت، جان، (۱۳۹۲)، *پنجاه متفکر بزرگ معاصر، از ساختارگرایی تا پسامدرنیته*، ترجمه محسن حکیمی، چاپ چهارم، تهران: خجسته.

- لیست، سیمور مارتین، (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی*، جلد اول، ترجمه مصطفی اسلامی و موسی اکرمی، تهران: وزارت علوم خارجه.

- لین، جی. ریچارد، (۱۳۸۹)، *ژان بودریار*، ترجمه مهرداد پارسا، چاپ دوم، تهران: رخداد نو.

- محبوبی آرانی، حمیدرضا، (۱۳۹۲)، *نیچه و آری‌گویی تراژیک به زندگی*، تهران: مرکز.

- معینی علمداری، جهانگیر، (۱۳۹۴)، *زیست جهان و اهمیت آن برای نظریه سیاسی*، تهران: رخداد نو.

- مک کین، آیان، (۱۳۸۷)، *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی، چاپ دوم، تهران: میزان.

- نیچه، فریدریش ویلهلم، (۱۳۸۷)، *اراده معطوف به قدرت*، ترجمه محمدباقر هوشیار، چاپ ششم، تهران: فرزانه روز.

- نیچه، فریدریش ویلهلم، (۱۳۸۸)، *دجال*، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب، چاپ چهارم، تهران: پرسش.

- هایدگر، مارتین و کترینگ، امیل و فارکرل، دیوید، (۱۳۹۰)، *نیست‌انگاری اروپایی*، ترجمه محمدباقر هوشیار و اصغر تفنگساز، چاپ سوم، تهران: پرسش.

- هومر، شون، (۱۳۹۰)، *ژاک لاکان*، ترجمه محمدعلی جعفری و سید محمدابراهیم طاهایی، چاپ دوم، تهران: ققنوس.

- هوور، ریچاردز جی، (۱۳۸۰)، *روانشناسی تحلیل اطلاعات*، ترجمه جواد علاقبندراد، تهران: وزارت امور خارجه.

- هینچلیف، آرنولد، (۱۳۸۹)، پوچی، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- هیوود، اندرو، (۱۳۷۹)، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- یالوم، اروین. د، (۱۳۹۲)، روان‌درمانی اگزستانسیال، ترجمه سیده حبیب، چاپ چهارم، تهران: نی.
- یونگر، ارنست، (۱۳۸۶)، عبور از خط، ترجمه ماریا ناصر، تهران: ساقی.

ب - انگلیسی

- Atran, Scott, (2006), "The Moral Logic and Growth of Suicide Terrorism", *The Washington Quarterly*, Vol. 29, No. 2.
- Atwan, Abdelbari, (2006), *The Secret History of al-Qaeda*, London: Saqi.
- Burk, Jason, (2004), *Al-Qaeda: The True Story of Radical Islam*, London: I.B. Tauris.
- Blanchot, Maurice, (1988), *The Unavoable Community*, Translated by Pierre Joris, Station Hill.
- Demir, Mehmet Zaper, (2009), *Global Capitalism and Nihilism*, Denmark: Alborg University.
- Eckersley, Richard, (2008), *Nihilism, Fundamentalism, or Activism: Three Responses to Fear of the Apocalypse*, World Feature Society.
- Krauthammier, Charles, (2001), "The Enemy is not Islam, it is Nihilism", *Weekly Standard*, Vol 7, No 6.
- Pillar, Paul, (2001), *Terrorism and U.S Foreign Policy*, Washington D.C: Brookings Institution.
- Smelser, Neil, (2003), *On Comparative Anlysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology*, International Sociology.

پ - سایت

- <http://ravanshenasionline.persianblog.ir/post/12>.

